

## اصول و روش های تربیت دینی و بصیرت افزایی از منظر قرآن کریم و نهج البلاغه

سید احمد هاشمی<sup>۱</sup>، عباسعلی شمسایی<sup>۲</sup>، حسین احمدزاده<sup>۳</sup>

<sup>۱</sup> استاد تمام گروه علوم تربیتی، واحد لامرد، دانشگاه آزاد اسلامی، لامرد، ایران (نویسنده مسئول)

<sup>۲</sup> دانشجوی دکتری فلسفه تعلیم و تربیت، واحد لامرد، دانشگاه آزاد اسلامی، لامرد، ایران

<sup>۳</sup> دانشجوی دکتری فلسفه تعلیم و تربیت، واحد لامرد، دانشگاه آزاد اسلامی، لامرد، ایران

### چکیده

هدف تحقیق حاضر اصول و روش های تربیت دینی و بصیرت افزایی از منظر قرآن کریم و نهج البلاغه بود. پژوهش حاضر از نوع پژوهش های کیفی است و داده های تحقیق عمدتاً از آیات قرآنی به دست آمده اند. برای گردآوری داده های این پژوهش از روش کتابخانه ای و برای تحلیل متن و تفسیر و تحلیل داده ها از روش تحلیل محتوای کیفی استفاده شده است. یافته های پژوهش نشان می دهد تربیت دینی و بصیرت افزایی در آیات قرآن و نهج البلاغه به وفور مورد تاکید و تکرار قرار گرفته است. تعلیم و تربیت، از مهم ترین اهداف و دغدغه های ادیان الهی بوده که بدان توجه داشته اند و در کتاب های آسمانی چون: قرآن و نهج البلاغه نیز به آن اشاره شده است. خداوند و پیامبران به عنوان متولیان اصلی در تربیت بشر، با روش هایی سعی در تربیت دینی مردم داشته اند. تربیت دینی، مجموعه دگرگونی هایی است که در فکر و عقیده فرد، به منظور ایجاد نوعی خاص از عمل و رفتار، که متکی بر ضوابط مذهب باشد، انجام می گیرد. در سایه این دگرگونی ها، اخلاق، عادات، آداب و رفتار و روابط فردی و اجتماعی شخص صورت مذهبی و دینی به خود می گیرد. از آنجایی که تربیت دینی و مذهبی انسان از دوران کودکی و حتی پیش از تولد آغاز می شود، توجه به تربیت دینی از جنبه های فردی، خانوادگی و اجتماعی امری مهم و ضروری است.

**واژه های کلیدی:** تربیت، تربیت دینی، بصیرت افزایی، قرآن کریم، نهج البلاغه

## مقدمه و بیان مساله

«تربیت» یعنی برانگیختن، شکوفا کردن و رشد دادن استعدادهای انسان در جهت کمالی که شایسته اوست، از راه فراهم سازی تمام و یا بخش بزرگی از زمینه‌ها و عوامل لازم و مؤثر در کمال و شکوفایی استعدادهای انسانی و نیز رفع موانع و اسباب بازدارندگی کمال و تعالی انسان از سوی مربی، همراه با تلاش و دلسوزی تربیت کننده، به گونه‌ای که مربی به اندازه تربیت خود، وامدار و مدیون مربی باشد. جان استوارت میل در تعریف تربیت گفته است که تربیت هر تأثیری است که آدمی در معرض آن می باشد، اعم از اینکه عامل تأثیر اشخاص، جامعه یا اشیا باشند (هاشمی، ۱۳۹۲).

تربیت فرآیندی است از مقوله «دیگر سازی»، از این رو با اخلاق که از مقوله خودسازی است تفاوت دارد؛ به عبارت دیگر تربیت فرآیندی است که در یک طرف مربی و در طرف دیگر مربی قرار دارد، به همین جهت مقوله خودسازی که در علم اخلاق مطرح می شود از مباحث تعلیم و تربیت نیست علاوه بر این حیطه اخلاق و تربیت یکسان نیست، پرورش اخلاقی یک بعد از ابعاد تربیت است. انسان با شناخت خود و خدا به خودیابی رسیده و برای خودسازی خویش نیازمند تربیت است. او برای تربیت کامل باید آماده فرمانبری و هدایت پذیری از سوی خالق خویش باشد و باید بداند از چه کسی امرپذیر باشد و پیروی کند. این امرپذیری در دو لایه تکوین و تشریع جلوه گر می شود. در لایه تکوین برای انسان استعدادی در نظر گرفته شده است که او می تواند با قوه عقل و علم اشیا را بشناسد، تشخیص دهد و راهکارهایی برای حل معضلات و یا تسخیر طبیعت بیابد. از آنجایی که عقل تنها نمی تواند ضامن رستگاری بشر باشد، در لایه تشریع خداوند به واسطه رحمت خویش، پیامبرانی برای هدایت او فرستاده تا انسان از مسیری امن و مطمئن به فلاح و نجات برسد.

تربیت یک فرآیند مستمر و پیوسته بوده که هدف نهایی آن کمال و سعادت انسان است و این کمال در مکتب ما همان قرب الهی است. در واقع تربیت فرآیندی است که نتیجه اش تغییر رفتار فرد (اعم از ظاهری و باطنی) و کسب هنجارهای مورد قبول می باشد. تربیت را می توان آشکار ساختن استعدادها، فعلیت و بروز دادن قوای نهفته در انسان دانست (فرهادیان، ۱۳۹۰).

تربیت، زیباترین چیزی است که در بهترین انسانها آشکار می شود. تربیت امری هدفدار و آگاهانه با دامنه ای وسیع و شاخه های گوناگون و دارای نظم و ترتیب و قاعده می باشد که در رشد و نمو قوای جسمی و روحی انسان بسیار مهم و مؤثر ارزیابی می گردد (هاشمی و نوروزی، ۱۳۹۵).

در قرآن کریم، مشتقات تربیت چندین بار به کار رفته است، از جمله: الف) "و تری الارض هامده فاذا انزلنا علیها الماء اهتزت و ربّت؛ (حج، آیه ۵) زمین را خشک و بی حاصل می بینی، پس هنگامی که باران فرو می فرستیم تکانی می خورد و رشد و نمو گیاهان در آن آغاز می شود".

ب) "و قل ربّ ارحمهما کما ربّانی صغیرا؛ (اسراء، آیه ۲۴) بگو خدایا والدینم را مورد رحمت خود قرار ده همان طوری که آنان مرا در کودکی مورد لطف و رحمت خویش قرار دادند".

بعضی از محققان می گویند: ربّ در جمله «ربّانی» از ماده ربو است نه از ماده رب چون معنای تربیت، در نوع مواردی که به کار رفته عبارت است از نمو و زیادت جسمانی و پرورش مادی؛ و تربیت و سوق دادن به کمال و سعادت معنوی در اغلب موارد ملاحظه نشده است، البته تربیت به مفهوم عام آن همه مراتب نشو و نما و زیادتی را - اعم از مادی و معنوی - شامل می شود. بنابراین واژه «تربیت»، - با توجه به ریشه آن - به معنای فراهم آوردن موجبات فزونی و پرورش است. علاوه بر این، تربیت به

معنای تهذیب و از بین بردن صفات ناپسند اخلاقی نیز به کار رفته است. با این نگرش که تهذیب اخلاقی مایه فزونی مقام و منزلت معنوی است و از این حیث می‌توان تهذیب را نیز تربیت دانست.

در قرآن مجید، به امر تربیت اسلامی توجه زیادی شده است. خدای سبحان، قرآن کریم را به عنوان نور به جهانیان شناسانده و خاصیت نورانی بودن قرآن آن است که هم معارف آن روشن و مصون از ابهام و تیرگی است و هم جوامع بشری را از هرگونه تاریکی اعتقاد یا تیرگی اخلاقی یا ابهام در شناخت یا سرگردانی در انتخاب راه یا خیر در ترجیح هدف و مانند آن می‌رهاند و به افق روشن، صراط مستقیم و هدف راستین بهشت «عدن» می‌رساند. خدای سبحان، قرآن کریم را به عنوان تبیان همه چیز به انسان ها شناسانده؛ یعنی هر چیزی که در تامین سعادت انسان سهم مؤثر دارد، در این کتاب الهی بیان شده است و اگر انجام کاری عامل فراهم نمودن سعادت بشر است، در آن آمده است و اگر ارتکاب عمل مایه شقاوت بشری می‌گردد، پرهیز از آن به صورت یک دستور لازم در آن تعبیه شده است. اشمال قرآن بر همه‌ی معارف و اخلاق و اعمال الهی و انسانی به طور رمز یا ابهام یا معما و مانند آن ها که از قانون محاوره و اسلوب تعلیم و تربیت جدا است، نیست، بلکه به طور کلی روشن است زیرا خدای سبحان از جامعیت قرآن نسبت به همه اصول اسلامی به عنوان تبیان یاد کرده است (جوادی آملی، ۱۳۹۰).

مفهوم تربیت در تعالیم وحی و سنت نبوی، بر پرورش استعدادهای درونی انسان و فراهم ساختن زمینه ی رشد استعدادهای آدمی دلالت می‌کند. به عبارت دیگر، در تربیت، عنایت و اهتمام به پیشبرد تمایلات فطری و استعدادهای متنوع متربی لحاظ شده؛ و تربیت نیز، در صورتی ثمربخش است که با عمل و کوشش متربی همراه باشد. تربیت دینی به نوبه خود در تقویت، شکل دهی و جهت بخشی بینش، انگیزش، احساسات، گرایش ها، غرایز، رفتار و امور فطری سهم بسزایی ایفا می‌کند. از سوی دیگر، در تربیت دینی، نقش عواملی چون غرایز، انگیزه ها، احساسات و گرایش ها برحسب موارد قابل مطالعه و بررسی است. بدین ترتیب، در فرایند تربیت دینی، هریک از مجموع عوامل فوق، در مقام ایفای نقش مؤثر خود، امر تربیت را سامان می‌دهند (هاشمی و غلامپور، ۱۳۹۸).

بدون تربیت نه دین برای مردم مفهومی دارد، و نه دنیای آنها سامان می‌یابد. مساله تعلیم و تربیت در همه ادیان توحیدی و خصوصاً اسلام از اهمیت بسیار بالایی برخوردار است. انسان، مستعد اتصال به همه ی کمالات است اما وصول به آن ها در گرو تعلیم و تربیت صحیح می‌باشد و برای رسیدن به هدف والای قرب الی الله باید بهترین شیوه ها را انتخاب نمود. در نظام اسلامی، هدف کسب رضای خداست. از طرف دیگر روابط حاکم بر زندگی افراد، متأثر از دیدگاه ملهم از سبک زندگی اسلامی می‌باشد. بنابراین تاثیر تربیت اسلامی در برقراری سبک زندگی اسلامی انکارناپذیر و اجتناب ناپذیر است (هاشمی و ستایش فر، ۱۳۹۶).

بصیرت از ماده بَصَر به معنای بینایی و به مجاز، آگاهی داشتن از امری و جزئیات آن است و نیز به معنای نیروی باطنی است که سالک با آن، حقایق و باطن امور را درمی‌یابد. بصیر کسی است که به مصالح و مفاسد خود آگاه باشد و ضرر و نفع خود را تشخیص دهد و بداند که چه چیزی او را اصلاح می‌کند و چه چیزی او را به وادی فساد می‌کشد. بصیرت، چشم بینای دل و نورافکن قوی برای تشخیص حق از باطل است. (انوری، ۱۳۸۲).

در اهمیت و ارزش بصیرت همین بس که اولیاء خدا و پیشوایان معصوم با الهام از قرآن کریم، پیروان خود را به کسب بصیرت و به دست آوردن آگاهی های جهت بخش، امر می‌کردند و امر مستقیم آنها، حکایت از ارزش و نقش آفرینی آن مقوله دارد. حضرت علی علیه السلام در وفات پیامبر اکرم صلی الله وعلیه وآله عموم مردم را به بصیرت امر می‌نمود:

.. فَأَنْفُذُوا عَلَى بَصَائِرِكُمْ (نهج البلاغه، نهج البلاغه، خطبه ۱۹۷)

.. پس ای مردم با دل بینا حرکت کنید!

افزون بر آن، افراد خاصی را نیز به کسب بصیرت امر می فرمود. از جمله در نامه ای به محمدبن ابی بکر، نماینده خود در سرزمین مصر نوشت:

فَأَصْحِرْ لِعَدُوِّكَ وَأَمْضِ عَلَى بَصِيرَتِكَ (نهج البلاغه، نامه ۳۴)

و اینک تو به صحنه درآی با آگاهی و با بینش خاص خود به سوی دشمن بتاز.

### تربیت دینی از دیدگاه قرآن

تربیت دینی در جامعه معاصر ایران، به دلایل فراوانی از جمله جهانی شدن و ورود گسترده فناوری‌های اطلاعاتی و ارتباطاتی به زندگی روزمره افراد، دستخوش تغییر و تحول شگرف و در عین حال خطرناک شده است. تربیت در لغت، به معنای پرورش دادن است. تربیت که از اهداف بسیار مهم خلقت و ارسال رسل و انزال کتب از سوی خداوند است نمی‌تواند بدون هدف باشد. بر ماست که ضمن شناسایی اهداف تربیت در جهت تامین آن برنامه‌ریزی کنیم.

چنان که در قرآن کریم از تربیت و پرورش روح و روان انسان تعبیر به تزکیه شده است:

كَمَا أَرْسَلْنَا فِيكُمْ رَسُولًا مِّنْكُمْ يَتْلُو عَلَيْكُمْ آيَاتِنَا وَيُزَكِّيكُمْ وَيُعَلِّمُكُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَيُعَلِّمُكُم مَّا لَمْ تَكُونُوا تَعْلَمُونَ؛

چنانکه از میان شما پیامبری فرستادیم که آیات ما را برای شما تلاوت کند و نفوس شما را از پلیدی و آلودگی چهل و شرک پاک و منزّه گرداند و به شما تعلیم حکمت و شریعت دهد و از او هرچه را نمی‌دانید (بقره، آیه ۱۵۱).

خلاصه‌ای از مبانی تربیت دینی در قرآن کریم به شرح ذیل است:

#### ۱- توحید

«خداوند سبحان، مالک حقیقی انسان و هر آن چه به او تملیک کرده است؛ چرا که انسان هرچه دارد خدا به او داده و مالک او، قلب او و تمام اموال اوست. بنابراین خدا به او، به نفع و ضررش، مرگ و حیاتش، کمال و سعادت یا شقاوتش، اسباب مورد نیاز سعادتش، از خود او آگاه‌تر است. دل‌ها به دست اوست و هر که را بخواهد به طرف آن برمی‌گرداند. تنها اوست که می‌تواند در هر حال، قلب انسان را به بهترین حالت برگرداند. انسان هیچ مطلبی را از او نمی‌تواند مخفی کند؛ چون خدا از انسان به قلبش نزدیک‌تر است.... وقتی انسان بداند خود و سایر موجودات، ملک خداوند هستند، بنابراین نه اندوه می‌خورد و نه می‌ترسد از آنکه ضرری ببیند بلکه تسلیم محض خدا می‌شود.» آری خداوند «رب العالمین» است یعنی عوالم گوناگون هستی تحت تدبیر و پرورش او قرار دارد (طباطبایی، ۱۳۹۳).

#### ۲- فطرت

تربیت دینی به عنوان تنها راه آشتی با فطرت ضمن اصلاح نگرش‌ها موجب تسهیل کسب موفقیت خواهد شد. بسیاری از افراد به دلیل عدم دستیابی به منابع اصیل و دوری از مبانی تربیتی قابل اعتماد، در انتخاب سبک زندگی موفق دچار چالش می‌شوند (هاشمی و پیرو، ۱۳۹۷).

دومین مبنای قرآن در تربیت، پذیرش «فطریات» در انسان است. «فطرت» در لغت به معنی «خلق»، «ایجاد» و «سرشت و طبیعت» آمده است. فطرت در اصطلاح، به گونه‌ای خاص از آفرینش اطلاق می‌شود که مخصوص انسان و غیر تقلیدی است. بدین صورت که نیازمند تمرین، و استاد نیست و در همه زمان‌ها، مکان‌ها و برای همه ثابت است؛ قابل شدت و ضعف و مبدأ همه فضایل انسانی است (مطهری، ۱۳۹۸).

قرآن کریم در این باره می‌فرماید: «وَنَفْسٍ وَمَا سَوَّاهَا فَأَلْهَمَهَا فُجُورَهَا وَتَقْوَاهَا» (شمس، ۷ و ۸)؛ سوگند به نفس آدمی و آنکه آن را منظم ساخت. سپس خیر و شر را به او الهام کرد. «مطهری در این زمینه می‌گوید: «اگر انسان دارای یک سلسله فطریات باشد، قطعاً تربیت او باید با در نظر گرفتن همان فطریات صورت گیرد»

## روش های تربیت دینی

### ۱. روش عبادت و نیایش

یکی از وظایف مهمی که خداوند متعال برای انسان به عنوان برگزیده‌ی مخلوقات خود قرار داده «عبودیت» است، چنان که می‌فرماید:

«إِنَّ كُلَّ مَنْ فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ إِلَّا آتَى الرَّحْمَنِ عَبْدًا (مریم، ۹۳)؛ هر یک از موجودات آسمان و زمین بنده‌ی پروردگارند».

چون همه‌ی موجودات جهان در اصل وجود و بقای خویش به مبدأ آفرینش وابسته‌اند، بنابراین همه‌ی آن‌ها در برابر حق تسلیم و بندگی او را از روی میل پذیرایند. قرآن کریم در این باره می‌فرماید: «ثُمَّ اسْتَوَىٰ إِلَى السَّمَاءِ وَهِيَ دُخَانٌ فَقَالَ لَهَا وِلِلْأَرْضِ ائْتِيَا طَوْعًا أَوْ كَرْهًا قَالَتَا أَتَيْنَا طَائِعِينَ (فصلت، ۱۱)؛ سپس به آسمان و زمین گفت از روی رغبت یا کراهت تسلیم شوید. آن‌ها گفتند ما با میل سر در اطاعت داریم».

«قُلْ مَا يَعْبَأُ بِكُمْ رَبِّي لَوْلَا دُعَاؤُكُمْ (فرقان، ۷۷) بگو: اگر دعای شما نبود پروردگار به شما اعتنایی نمی‌کرد»

### ۲. روش گردش در طبیعت و مشاهده آیات الهی

قرآن کریم درباره‌ی کسانی که فقط در جهان طبیعت محصور می‌شوند و هرگز از این ظاهر به باطن راه نمی‌برند می‌فرماید: «يَعْلَمُونَ ظَاهِرًا مِّنَ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَهُمْ عَنِ الْآخِرَةِ هُمْ غَافِلُونَ (روم، ۷)؛ آنان جز ظاهری از زندگی دنیا نمی‌دانند و از ورای آن که جهان آخرت است غافل‌اند».

مربیان برای رسیدن به اهداف تربیتی خود در استفاده از این روش باید کارکردهای تربیتی و نحوه‌ی اجرای صحیح فعالیت‌هایی همچون گردش‌های علمی و اردوهای تربیتی را خوب بشناسند و از آن‌ها درست بهره ببرند. تماشای زیبایی طبیعت، تفکر و دقت در شگفتی‌های آن و اندیشیدن درباره‌ی آفرینش موجودات طبیعی اثری عمیق در تلطیف عواطف، تعالی احساسات، وسعت روح و صفا و سلامت روان خواهد داشت و این همه موجب درست دیدن، درست اندیشیدن، بلندنظری، حقیقت‌گرایی، سعه‌ی صدر، خیرطلبی، آشنایی با رموز نهفته در طبایع هستی، قاعده‌یابی و داناتر شدن نسبت به واقعیت زندگی خواهد شد (مظلومی، ۱۳۸۹).

«الَّذِي خَلَقَ سَبْعَ سَمَاوَاتٍ طِبَاقًا مَّا تَرَى فِي خَلْقِ الرَّحْمَنِ مِن تَفَافُوتٍ فَارْجِعِ الْبَصَرَ هَلْ تَرَى مِن فُطُورٍ (ملک، ۳) خدایی که هفت آسمان را طبقه طبقه آفرید. در آفرینش آن بخشایشگر، هیچ گونه اختلاف و تفاوت نمی‌بینی. باز بنگر آیا خلل و نقصانی می‌بینی در آیه‌ای دیگر به جزئیات دیگری از آسمان و شگفتی‌هایش اشاره می‌کند»

### ۳. روش الگوسازی

یکی از روش‌های بسیار مؤثر در تربیت دینی روش «ارائه‌ی الگو» و معرفی «الگوهای حقیقی» است. مطابق این روش، مربی تلاش می‌کند کسانی را که اندیشه‌ها، گفتار و رفتار آن‌ها می‌تواند قابل الگوگیری برای متربیان باشد معرفی و دانش‌آموزان را به پیروی از رفتار آن‌ها تشویق کند. «اسوه» یعنی مدل و نمونه. البته نمونه‌ی خوب و «اسوه‌ی حسنه». مثلاً وقتی انسان وصف پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله وسلم) یا علی بن ابی‌طالب (علیه السلام) را می‌شنود روح و دلش آرزو می‌کند مانند او باشد. (احمدی، ۱۳۹۳). در واقع یکی از روش‌هایی که همواره بشر در تربیت از آن بهره برده است روش الگویی است. لَقَدْ كَانَ لَكُمْ فِي رَسُولِ اللَّهِ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ لِّمَن كَانَ يَرْجُو اللَّهَ وَالْيَوْمَ الْآخِرَ وَذَكَرَ اللَّهَ كَثِيرًا (احزاب، ۲۱) قطعاً برای شما در اقتدا به رسول خدا (ص) سرمشقی نیکوست، برای آن کس که به خدا و روز بازچسین امید دارد و خداوند را فراوان یاد می‌کند. قَدْ كَانَتْ لَكُمْ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ فِي إِبْرَاهِيمَ وَالَّذِينَ مَعَهُ (ممتحنه، ۴). در این تقابل، اسوه حسنه ابراهیم و مومنان همراه ابراهیم هستند و در آن سوی تقابل غیر مومنان هستند.

### عوامل بصیرت

#### ۱. یاد خدا

ذکر خدا، چه به صورت قلبی و چه به صورت قالبی و زبانی آثار و خیرات و برکاتی دارد که بصیرت فزونی از جمله آنهاست. یاد خدا دل را از انواع آلودگی‌ها، شستشو می‌دهد و آن را برای دریافت حقایق بیرونی و تفکر باطنی و کسب بصیرت آماده می‌سازد. امیرمؤمنان علیه السلام بر آن تصریح می‌کند:

إِنَّ اللَّهَ سُبْحَانَهُ وَتَعَالَى جَعَلَ الذِّكْرَ جَلَاءً لِلْقُلُوبِ تَسْمَعُ بِهِ بَعْدَ الْوَقْرَةِ وَتُبْصِرُ بِهِ بَعْدَ الْعَشْوَةِ، وَتَنْقَادُ بِهِ بَعْدَ الْمُعَانَدَةِ (نهج البلاغه، خطبه ۲۲۲)

همانا خدای سبحان و بزرگ، یاد خود را روشنی بخش دل‌ها قرار داد، تا گوش پس از ناشنوایی بشنود و چشم پس از کوری بنگرد، و انسان پس از دشمنی رام گردد.

#### ۲. خودسازی

آماده سازی زمین زراعی و بذرافشانی صحیح در آن و نیز پاکسازی مزرعه از علف‌های هرز و آفت زدایی به موقع، محصول مرغوب و مطلوب در پی دارد. روح و روان آدمی نیز چنین است. کسب صفات و اعمال خدایسند و زدودن صفات ناپسند و اصولاً تربیت صحیح، به انسان بینش الهی می‌دهد. امیرمؤمنان علی بن ابی‌طالب علیه السلام این حقیقت را در موارد مختلفی بیان فرموده است. از جمله پس از شمارش برخی از صفات اهل حق و مؤمن آگاه می‌فرماید:

قَدْ أَبْصَرَ طَرِيقَهُ وَ سَلَكَ سَبِيلَهُ وَ حَرَفَ مَنَارَهُ وَ قَطَعَ غِمَارَهُ وَ اسْتَمْسَكَ مِنَ الْغَرَى بِأَوْثَقِهَا وَ مِنَ الْجِبَالِ بِأَمْتِنِهَا فَهُوَ مِنَ الْيَقِينِ عَلَى مِثْلِ ضَوْءِ الشَّمْسِ... (نهج البلاغه، خطبه ۸۷)

(مؤمن بصیر با تزکیه نفس و زهد و اخلاص خود را از نابینایی رهایی بخشیده) و راه هدایت را با بصیرت دریافته و در آن گام نهاده و نشانه های این راه را به خوبی شناخته و از امواج متلاطم شهوات گذشته است. از میان دستگیره های هدایت، به مطمئن ترین آنها چنگ زده و از رشته های (نجات) به محکم ترین آنها متمسک شده است؛ به همین دلیل در مقام یقین به آنجا رسیده که (حقایق را) همانند نور آفتاب می بیند.

### ۳. تلاوت قرآن

تلاوت آیات قرآن - به ویژه همراه با تدبر عمیق - به دل و درون انسان صیقل و جلا می دهد و آینه قلب را برای انعکاس حقایق و جوشش معارف، شفاف می سازد و بینش و بصیرت به انسان می دهد و این وعده محتوم و مجرب اولیای خدا و پیشوایان معصوم علیهم السلام است. امیرمؤمنان علیه السلام می فرماید:

این کتاب خداست که با آن بینش می یابید، گویا و شنوا می شوید کتابی که هر پاره اش، دیگر پاره را بیان گر و هر بخش، دیگر بخش را گواه است. در شناخت خدا، به چندگانگی نگرییده است که همراه خود را از خدا منحرف کند. (نهج البلاغه، خطبه ۱۳۳)

### ۴. نفی وابستگی های مادی

وزنه نه چندان سنگین در پای پرنده آن را از پرواز باز می دارد و زمین گیر کرده و محدودش می کند. آدمی نیز چنین است. وابستگی مادی او را از جهات معنوی محدود می سازد ولی قطع علاقه ها و وابستگی ها، او را در نگرش و گرایش آزاد می کند و به دید و نگاه او توسعه می بخشد و بصیرت او را روزافزون می کند و این سخن امیر سخن علی بن ابی طالب علیه السلام است که می فرماید:

و همانا دنیا نهایت دیدگاه کوردلان است که آن سوی دنیا را نمی نگرند، اما انسان آگاه، نگاهش از دنیا عبور کرده از پس آن سرای جاویدان آخرت را می بیند. پس انسان آگاه به دنیا دل نمی بندد، و انسان کوردل تمام توجه اش دنیاست. بینا از دنیا زاد و توشه برگیرد، و نابینا برای دنیا توشه فراهم می کند.

### موانع بصیرت

#### ۱. آرزوهای بلند

یکی از آفات روحی و معنوی آمال و آرزوهای طولانی، خشک شدن چشمه سارهای بصیرت است. آرزوهای دراز و چه بسا دست نیافتنی، عقل و اندیشه انسان را خواب آلود می سازد. از این رو امیرمؤمنان علیه السلام از آن به خدا پناه می برد و می فرماید:

نَعُوذُ بِاللَّهِ مِنْ سُبَاتِ الْعَقْلِ وَ قُبْحِ الزَّلَلِ (نهج البلاغه، خطبه ۲۲۴)

از خواب آلودگی عقل و زشتی لغزش ها به خدا پناه می برم.

«سُبَات» در اصل به معنای قطع است و چون آدمی با به خواب رفتن از این عالم تصرفات و آلام و لذایذ آن و نیز از انجام هر نوع اعمال خیر، قطع ارتباط می کند به همین مناسبت از خواب به «سُبَات» تعبیر می شود و کسی که بصیرت و بینش درونی خود را از دست می دهد گویا، عقل او به خواب رفته و دیده های درون بین او بسته شده است.

با نظر به این بازتاب آرزوهای طولانی است که حضرت علی علیه السلام آن از موانع مهم بینش و عقل و اندیشه آدمی می شمارد و می فرماید:

وَالْأَمَانِي تُعْمِي أَعْيُنَ الْبَصَائِرِ (نهج البلاغه، حکمت ۲۷۵)

آرزوها، چشم بصیرت را کور می کنند.

## ۲. وابستگی ها و عشق های کاذب

امیر مؤمنان علی بن ابی طالب علیه السلام می فرماید:

هر آن کس که به چیزی عشق ورزد، آن عشق، چشم او را کور و قلبش را بیمار می کند چنین فردی با چشم ناسالم می نگرد و با گوش ناشنوا می شنود زیرا که بی گمان، شهوت ها پرده خردش را دریده اند، و دنیا قلبش را میرانده است و او را با تمام وجود شیفته خود ساخته است. چنین است که او برده دنیا و دنیاداران می شود، همسو با سایه دنیا به هر سو می گردد و به هر جا روی می آورد. (نهج البلاغه، خطبه ۱۰۹)

## ۳. فتنه های اجتماعی

گاهی مسائل مهم سیاسی و اجتماعی زمان، در قالب فتنه ها و شبهه های بسیار پیچیده و به صورت تندباد، جریان می یابد، در حدی که التهابات و گردوغبار آنها، مانع از تشخیص دقیق ماهیت و هویت آنها می گردد و حتی برخی از افراد هوشمند و آگاه جامعه نیز از تمییز خطوط حق و باطل آن حوادث ناتوان و در موضع گیری ها، حیرت زده و سرگردان می شوند. در چنین موقعیتی باید صبر پیشه کرد تا گردوغبار فتنه بخوابد و آن صحنه به روشنی پدیدار شود. نهج البلاغه، این موقعیت خطیر را به صورت زیبا و واقع گرایانه ترسیم می کند:

فتنه ها آنگاه که روی آورند با حق شباهت دارند و چون پشت کنند حقیقت چنانکه هست، نشان داده می شود. فتنه ها چون می آیند شناخته نمی شوند، و چون می گذرند شناخته می شوند. فتنه ها چون گردبادها می چرخند، از همه جا عبور می کنند، در بعضی از شهرها، حادثه می آفرینند و از برخی شهرها می گذرند. (نهج البلاغه، خطبه ۹۳)

با توجه به مانع بودن شبهات و فتنه های اجتماعی است که آن حضرت پیروان خود را از ورود به حوزه آنها باز می دارد و می فرماید:



از شبهه - که مشتمل بر حق پوشی است - برحذر باش، زیرا دیری است که فتنه پرده های سیاهش را فروهشته و سیاهی چشم ها را فراگرفته است. (نهج البلاغه، نامه ۶۵)

## نتیجه گیری

انسان موجودی است خلاق و پویا که طبعاً به دنبال موقعیت و بالندگی در زندگی خویش است، از این رو برای شکوفا نمودن استعدادها و رسیدن به آرمانهای خود از هیچ کوششی فروگذار نبوده و سعی می کند که از توانمندیهای خود به بهترین وجه استفاده کند تا به سر منزل مقصود برسد. بصیرت ارزش حیاتی دارد و اساس خودشناسی است به همین جهت در تعلیم دینی به داشتن آن امر شده و ائمه علیهم السلام نیز دستور می دادند که پیروانشان بر مدار بصیرت عمل کنند زیرا که بصیرت، شرط شکوفایی علم و حکمت است و بدون آن نمی توان به مرحله «یقین» رسید.

یکی از شیوه های تربیت، آگاه کردن مردم به مسائل و موضوعات است. بصیرت، نگاه فرد را از سطح و پوسته رویدادها می گذراند و به عمق و باطن آنها نفوذ می دهد. بصیرت (شناخت عمیق شناخت) به عالم انفسی (جهاد درون) و عالم آفاقی (جهان برون) موجب ارتباط کامل و جامعه انسان با آنها می شود. اسلام دینی اجتماعی است و احکام فردی آن نیز آهنگ اجتماعی دارد و از آن ها برای اصلاح و تقویت روابط اجتماعی و تحقق اخلاقی تربیت اجتماعی و اجرای اهداف مقدس جامعه بهره می گیرد. مراد از تربیت، فراهم کردن زمینه ها برای شکوفایی و به فعلیت رساندن استعدادهای بالقوه انسان می باشد. با عنایت به این که زندگی بشر در این دنیا فرازاها و فرودهای فراوانی دارد هر جامعه پیشرفته ای بدون تعلیم و تربیت قادر به حل مشکلات و رفع موانع نمی باشد و تنها در سایه آموزه های دینی و با استفاده از قرآن کریم و روایات معصومان (ع) می تواند به شکوفایی برسد. بصیرت دینی با عواملی به دست می آید که ذکر خدا، خودسازی، تلاوت قرآن و نفی وابستگیهای مادی از جمله آنها هستند. آرزوهای بلند و دست نیافتنی، عشق ها، وابستگی های کاذب، فتنه های اجتماعی از موانع بصیرتند با وجود هر یک از آنها، عقل و تدبیر، کارآمدی خود را از دست می دهد و فاقد بصیرت می گردد. گرچه بصیرت، ریشه در سرشت آدمی دارد ولی از راه ها و منابع معتبر، می توان به قلمرو آن افزود که قرآن کریم، سیره و سنت اهل بیت علیهم السلام و تاریخ و آثار گذشتگان از جمله آنها هستند.

## منابع

- قرآن کریم، ترجمه مهدی الهی قمشه ای، تهران، موسسه مطبوعاتی خزر.
- نهج البلاغه
- احمدی، علی اصغر (۱۳۹۳). اصول تربیت. تهران: انتشارات انجمن اولیا و مربیان. چاپ هشتم
- جوادی آملی، عبدالله (۱۳۹۰). مبادی اخلاق در قرآن (تفسیر موضوعی قرآن کریم). تنظیم و ویرایش حسین شفیعی. قم: مرکز نشر اسراء.
- طباطبائی، سیدمحمدحسین (۱۳۹۳). المیزان، قم: جامعه مدرسین، بیتا.
- فرهادیان، رضا (۱۳۹۰). مبانی تعلیم و تربیت در قرآن و احادیث، قم، مؤسسه بوستان کتاب، چاپ چه
- مطهری، مرتضی (۱۳۹۸). تعلیم و تربیت در اسلام. تهران: صدرا

- مظلومی، رجبعلی (۱۳۸۹). گامی در مسیر تربیت اسلامی: از کودکی تا بلوغ (جلد ۱). تهران: آفاق. چ ۱۶.
- مکارم شیرازی ناصر و همکاران (۱۳۹۴)، تفسیر نمونه، انتشارات دار الکتب الاسلامیه
- هاشمی، سید احمد، بلاغت، رضا (۱۳۹۲). تعلیم و تربیت اسلامی، پژوهشی نوآوران شریف؛ انتشارات دانشگاه آزاد اسلامی واحد لامرد.
- هاشمی، سید احمد، نوروزی، مهدی (۱۳۹۵). تربیت در اسلام، انتشارات پارلاق قلم، بناب.
- هاشمی، سیداحمد و غلام پور، حسین (۱۳۹۸). تربیت از منظر سنت، سومین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در علوم انسانی، مدیریت و معارف اسلامی، تهران.
- هاشمی، سیداحمد و پیرو، مریم (۱۳۹۷). بررسی اثر تربیت دینی بر تغییر نگرش زنان به مهارت های محبت، حسن معاشرت و صبر، ششمین همایش ملی مطالعات و تحقیقات نوین در حوزه علوم انسانی، مدیریت و کارآفرینی ایران، تهران.
- هاشمی، سیداحمد و ستایش فر، مریم (۱۳۹۶). بررسی اهمیت تعلیم و تربیت در اسلام، فصلنامه مطالعات علوم اجتماعی، دوره: ۳، شماره: ۴